



جمال شورجه (ایلدیسان)

ابوالقاسم طالبی (ایلدیسان)

محمد کاسبی (بازیکر)

رسول ملاقلی‌پور (ایلدیسان)

شهرویار بحرانی (ایلدیسان)

پروین شیخ طادی (ایلدیسان)

نادر میرباقری (ایلدیسان)

مرتضی شعبانی (استندسان)

پروانه معصومی (بازیکر)

مهدی فقیه (بازیکر)

ایراهیم حاتم‌کیا (ایلدیسان)

فرخ‌الله سلحشور (ایلدیسان)

هادی محمدیان (پویانما)

مجید مجیدی (ایلدیسان)

شهبود اویفی (ایلدیسان)

جواد رزاقانی (ایلدیسان)

تیک‌تاک و استانداردهای دوگانه آمریکا در ایران

عزیزالله محمدی(متداوجو)

بستر سکوهای پیام‌رسان و فضای مجازی چند سالی است که جایگاهی بسیار فراتر از انتظار در فرآیند زندگی انسان باز کرده و می‌توان به جرات گفت؛ دیگر حتی امکان فکر کردن به زندگی بدون وجود فضای مجازی وجود ندارد و این فضا دقیقا یکی از الزامات لاینفک زندگی بشری شده است. استفاده بیشتر از این ابزار و تکنولوژی، در همین زمان کوتاه و پر فراز و نشیبی که از عمر آن گذشته، همواره دارای اما و اگرهایی بوده که هر روز انواع چالش، تهدید و فرصت‌های جدیدی برای آن بیان می‌شود و موافقان و مخالفان جدی نیز در این مسیر برای استفاده از آن وجود دارد.

علیرغم همه موافقت‌ها و مخالفت‌هایی که برای استفاده از فضای مجازی در بین اهل فن و حتی عوام وجود دارد؛ اما همگان در اینکه فضای مجازی باید تحت کنترل باشد و اطلاعات و بستر سکوهای پیام‌رسان و فضای مجازی چند سالی است که جایگاهی بسیار فراتر از انتظار در فرآیند زندگی انسان باز کرده و می‌توان به جرات گفت؛ دیگر حتی امکان فکر کردن به زندگی بدون وجود فضای مجازی وجود ندارد و این فضا دقیقا یکی از الزامات لاینفک زندگی بشری شده است. استفاده بیشتر از این ابزار و تکنولوژی، در همین زمان کوتاه و پر فراز و نشیبی که از عمر آن گذشته، همواره دارای اما و اگرهایی بوده که هر روز انواع چالش، تهدید و فرصت‌های جدیدی برای آن بیان می‌شود و موافقان و مخالفان جدی نیز در این مسیر برای استفاده از آن وجود دارد. علیرغم همه موافقت‌ها و مخالفت‌هایی که برای استفاده از فضای مجازی در بین اهل فن و حتی عوام وجود دارد؛ اما همگان در اینکه فضای مجازی باید تحت کنترل باشد و اطلاعات



و محتوای آن باید دسته‌بندی شده به دست گروه‌های هدف برسد وچه اشتراک دارند و دقیقا مشکل در همین نقطه، یعنی «دسته‌بندی و کنترل» نمود پیشترتی پیدا می‌کند و هر کس از منظر دید و نیاز خود به موضوع دسته‌بندی و کنترل نگاه می‌کند که در این میان، نگاه صاحبان این تکنولوژی و صاحبان بسترهای فعال موبار، به گونه‌ای است که می‌بندارند؛ جهان فضای مجازی نیز باید همانند فضای حقیقی که قلدرم‌بانه در

متحد و متحدانش است که آنها شبانه‌روز تلاش

دارند تا به انحاء مختلف ایران را تضعیف و حتی نظام حاکمیتی آن را به مرز فروپاشی ببرند؛ اما علی‌رغم همه تلاش‌های آنها در حوزه‌های مختلف، به مدد مجموعه‌ای از عوامل که در این‌جا مجال بیان آن نیست از دستیابی به این هدف ناگام مانده‌اند و البته که همین موضوع برعصابت بیشتر وجدیت آنها برای رسیدن به اهدافشان بیشتر می‌افزاید و چون عرصه میدان عمل و واقعی برای آنها تنگ و دست نیافتنی شده است هر آنچه در چشمه دارند را به دلیل کند گذاری‌های بستر پلت اجتماعی) انتقال داده‌اند و از تمام ظرفیت‌های ممکن با شناخت نیازهای مختلف روانی و عاطفی و اجتماعی و سیاسی و… استفاده لازم را می‌برند. از آنجا که فضای مجازی و تصاویر و محتواهای موجود در آن به دلیل کند گذاری‌های بستر پلت فرم‌ها هوشمند است و محتواها بر اساس چیدمان مدیران شرکت‌های پیام‌رسان غالباً بر بازدید می‌شوند؛ پس به راحتی می‌توان تحولات در حال شکل‌گیری این فضاها را بررسی و پیش‌بینی کرد که هر گاه محتواهای خاصی مورد بیشترین بازدید و یا به‌صورت پرتکرار در اختیار مخاطبین قرار می‌گیرند؛ قطعاً سنسارپویی در حال شکل‌گیری است که جامعه هدفی را انتخاب کرده و این رفتار فضای مجازی، نوعی سیگنال برای یک هشدار خاص می‌تواند باشد که این سیگنال‌ها را به‌راحتی می‌توان دریافت کرد.

متحد و متحدانش است که آنها شبانه‌روز تلاش دارند تا به انحاء مختلف ایران را تضعیف و حتی نظام حاکمیتی آن را به مرز فروپاشی ببرند؛ اما علی‌رغم همه تلاش‌های آنها در حوزه‌های مختلف، به مدد مجموعه‌ای از عوامل که در این‌جا مجال بیان آن نیست از دستیابی به این هدف ناگام مانده‌اند و البته که همین موضوع برعصابت بیشتر وجدیت آنها برای رسیدن به اهدافشان بیشتر می‌افزاید و چون عرصه میدان عمل و واقعی برای آنها تنگ و دست نیافتنی شده است هر آنچه در چشمه دارند را به دلیل کند گذاری‌های بستر پلت اجتماعی) انتقال داده‌اند و از تمام ظرفیت‌های ممکن با شناخت نیازهای مختلف روانی و عاطفی و اجتماعی و سیاسی و… استفاده لازم را می‌برند.

از آنجا که فضای مجازی و تصاویر و محتواهای موجود در آن به دلیل کند گذاری‌های بستر پلت فرم‌ها هوشمند است و محتواها بر اساس چیدمان مدیران شرکت‌های پیام‌رسان غالباً بر بازدید می‌شوند؛ پس به راحتی می‌توان تحولات در حال شکل‌گیری این فضاها را بررسی و پیش‌بینی کرد که هر گاه محتواهای خاصی مورد بیشترین بازدید و یا به‌صورت پرتکرار در اختیار مخاطبین قرار می‌گیرند؛ قطعاً سنسارپویی در حال شکل‌گیری است که جامعه هدفی را انتخاب کرده و این رفتار فضای مجازی، نوعی سیگنال برای یک هشدار خاص می‌تواند باشد که این سیگنال‌ها را به‌راحتی می‌توان دریافت کرد.



از فرآیند نفی و سلب است. نفی و سلب هر آن چیزی که در مواجهه با قوانین ساخته شده می‌تواند ایجاد اختلال کند. فارغ از اینکه قوانین خوب یا بد اتفاق می‌افتد که وقتی از جنگ صحبت می‌کنیم معمولا جنبه منفی پررنگ‌تر تلقی می‌شود. از این‌جا به بعد ما دوام و استیلای فرآورده‌ها و فرآیندهای حوزه‌های امنیتی هم در حوزه ساختارسامانی رفتارها و هم در حوزه بهره‌گیری از جنس این گزاره‌ها خودش را نشان می‌دهد.

ما وقتی وارد حوزه جنگ‌های ژله‌ای می‌شویم درواقع وارد ترکیب‌بندی جدیدی از گزاره‌های متنوع، متکثر و بعضا متفاوت نسبت به هم می‌شویم اما با محوریت یک دال مرکزی برای هر نوع هدفی که چیده شده باشد این شکل در حوزه جنگ‌های ترکیبی تلقی می‌شود. برای همین جنس جنگ‌های ترکیبی‌اندکی متفاوت‌تر از سایر حوزه‌هاست.



سایر وجوه مطرح می‌شود این است که پیکره اجتماعی مدنظر، خودش تولیدکننده زهر علیه خود باشد. نکته سوم بهره‌گیری از قوانین و قواعدی است که برهم زننده هر نوع انضباط در جامعه است آن هم قبل از درگیر شدن با جنگ ما این‌جا از مفهوم نفوذ در حوزه جنگ‌های ترکیبی بهره‌های بسیار زیادی می‌بریم که از عوامل بر هم زننده آن انضباط است؛ انضباطی که مانع به نتیجه‌رسانیم با شکل‌گیری یک جنگ می‌شوند. پس در این نوع جنگ بهره‌گیری از همه گزاره‌های که تولیدکننده ایجاد بی‌انضباطی و از بین

رفتن قوانین و قواعد انضباطی در راستای شکل‌گیری و تثبیت جامعه هستند برای دشمن اهمیت پیدا می‌کند. **از بین بردن مسیر بازگشت جامعه** نکته چهارم که اهمیت بسیاری دارد از بین بردن مسیر بازگشت جامعه به ریل اولیه‌اش است. به هر دلیلی؛ یا شعبه زدن یا انفساک با افتراق و… وقتی به این مرحله می‌رسیم امکان بازگرداندن جامعه به وضعیت قبل از ورود به جنگ وجود ندارد. حال اینکه



و دغدغه‌های نمایندگان آمریکا مبتنی بر امنیت ملی و امنیت اجتماعی و امنیت روانی و فیزیکی کودکان و جوانان بود.

در این جلسه به کرات نمایندگان آمریکا مدیرعامل شرکت تیک تاک آقای «جو» را همانند دادگاه روبروی خود نشانده و به شدت او را مورد سؤال قرار داده بودند و عمده بیانشان پیرامون موضوعات سایبری و پروتکل‌های شرکت تیک‌تاک در مواجهه با امنیت اجتماعی از جمله ترویج و تبلیغ خشونت و مواد مخدر و خودکشی بود.

اینکه خروجی جلسه در نهایت چه شد و اینکه جلسه چگونه مدیریت می‌شد و اینکه پرسش‌ها چگونه طراحی می‌شد و اینکه مدیر شرکت تیک‌تاک چگونه جواب می‌داده؛ هر کدام موضوعاتی هستند که فعلا به همان دلیل که گفته شد در آن جزء به جزء به آنها خواهیم پرداخت بماند؛ اما موضوع اصلی برای ما و مخاطب ایرانی، استانداردهای دوگانه رفتار آمریکایی‌ها نسبت به فضای مجازی درمواجه با ایران و خودشان است. آشوب‌های پاییز گذشته ایران و بستر فضای مجازی به‌صورت مستقیم به هم پیوند خورده بودند و دقیقا مضاف بر شبکه‌های ماهواره‌ای معاند، ایسن فضای مجازی بود که آتش‌بباری معرکه و سازماندهی آشوب‌ها بر عهده گرفته بود و هر آنچه را که آمریکا در جلسه استیضاح مدیر تیک‌تاک بر می‌آورد می‌کرد و او را در جایگاه متهم نشانده بود؛ خود، در جریان آشوب‌های ایران، حامی آنها بود و دقیقا چرا از حتی متهم به نفی آزادی بیان می‌کرد که چرا فضای مجازی را محدود و تا فلینتر کرده است.

فضای مجازی ایران در آن مقطع با حمایت تمام کشورهای اروپایی و آمریکا و هم سکولانش و با لیدری منافقین از سوله‌های آلبانی به شدت بر موج خشونت و رفتارهای ناهنجار می‌دمید وعجیب آن بود که در آن موقع کسی نبود که بگوید چرا این حجم از ترویج خشونت و القاء ناامیدی و یأس و نفرت پراکنی صورت می‌گیرد؟ چرا آموزش ساخت کوکتل مولوتوف در فضای مجازی آموزش داده می‌شود؟ چرا به استفاده از اسلحه انگیزه‌بخشی ضربهی داده می‌شود؟ چرا تشویق به آتش‌سوزی مراکز عمومی و خدماتی می‌شود؟ چرا به کشتن نیروهای امنیتی فرمان داده می‌شود…؟!

در میان سیگنال‌های دریافتی از فضای مجازی که به شدت روی رفتار خشونت‌آمیز جوانان ایرانی تأکید دارد؛ گذرآزغرف‌های معمول اجتماعی و خانوادگی و آداب فرهنگی اسلامی و ایرانی، سیگنالی است که بیشترین نمود را بعد از اتمام افشاشات دارد و در واقع، احساس «بی‌گناه» جلوه‌دادن جوانان در مقابل هرگونه رفتاری که انجام می‌دهند را برای عموم جوانان ترویج و تبلیغ می‌کنند تا بدین‌وسیله به سمت دین‌زایی و کشتن عرفهای معمول حاکم قدم بردارند.



موارد تأثیرگذاری منفی بر گروه‌های مختلف دنیای موسیقی زیرزمینی قابل دریافت است؛ تقدس‌زدایی از اسماء و القاب ائمه معصومین، مثل(محمد، علی، امیر، رضا، فاطمه و…) است که با دو روش صورت می‌گیرد.

روش اول تبدیل اسم به محتوای هجو و مستخرآمیز و در نهایت جُک ساختن از آن است که به مرور از ارزش اسم کاسته شده و کملا جنبه تقدسی آن رنگ می‌بازد و روش دوم به‌کارگیری اسامی معین دارای تقدس در موقعیت‌های مبتذل و فحشا و فساد انگیز است که به شدت ذهن مخاطب را در معرض حمله قرار می‌دهد و جایگاه و مرتبه تقدسی اسم تعیین‌شده را به پایین‌ترین تصور ممکن می‌رساند.

پرداختن بهه موضوع ذائقه‌پسوری و تغییر فرهنگ با استفاده از فضای مجازی و موسیقی و پر کاربرد کردن واژگان منفی و دارای خشونت، در ایران موضوع کاملا تخصصی و گسترده‌ای است که قطعاً در آتی بیشتر به آن خواهیم پرداخت؛ اما نکته قابل تامل در این خصوص حساسیت حاکمان

و نمایندگان کشور آمریکا به تأثیرگذاری همین فضای مجازی بر جامعه آمریکا و در نقطه مقابل، رفتار و استناددار دو گانه‌ای است که در مواجه با ایران دارند.

بر عکس اصرار بیش از اندازه سیاستپون آمریکا و غرب برای رهایی فضای مجازی به‌منظور آزادی بیان و رفتار در ایران. فضای حاکم بر آمریکا اتفاقا، بسیار بر فضای مجازی اشراف دارد و کوچک‌ترین روت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

نسبت به مطلوبیت زمان حال و آن فرآیند تاریخی مشابه‌تر باشد جنگ علیه جامعه هدف بی‌نتیجه‌تر است. هر چه آن رزستگاه در آینده فاصله از رزستگاه حال و گذشته داشته باشد نتیجه مطمئن‌تر علیه جامعه درمعرض حمله است. پس بنابراین آنچه در هر سه مورد بد ساخته می‌شود رسیدن به تخمینی دقیق برای مدیریت فضای ترکیبی در ذهن مخاطب است که می‌تواند مجموعه‌ای متکثر از حوزه اقتصاد، فرهنگ، اقتصاد، امنیت و اجتماع باشد.

نتیجه سوم بی‌رقی کردن هر نوع دفاع در مواجهه با تهاجمات رقیب شده است. درمقابل تهاجم غلیظ، دفاع هم غلیظ است اما زمانی که در جنگ‌های ترکیبی نوع حمله غلیظ تبدیل به تعدادی حملات رقیق می‌شود میزان بنیه دفاعی جامعه هدف را دچار ورود به فرآیند جنگ یاد می‌کنیم. میزان تخمین و محاسباتی که در هراندیشگاهی در حوزه‌های متنوع و متفاوت جنگ زده می‌شود در این قاعده می‌گنجد. بنابراین در حوزه جنگ‌های ترکیبی ما سه

بسیار بر فضای مجازی اشراف دارد و کوچک‌ترین روت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

رویت روسطحی و اقدامات پیچیده و عملیاتی در حال گسترش زیرسطحی اتفاق می‌افتد که معمولا دمای زیر سطحی به شدت بالاتر از دمای روسطحی است. هر نوع اختلاف فاز در دمای روسطح می‌تواند تحریک بیشتری را در فضای زیرسطحی جامعه ایجاد کند. مرحله هفتم؛ جایگزینی اسم چه مهاجم و چه مدافع برنامه‌ای که معادل آنچه وضعیت موجود هر جامعه تلقی می‌شد جایگزین وضع موجود می‌شود.

با روده‌های آرامی که در یک محیط مرکزی آرام به هم متصل می‌شوند و گودال ایجاد می‌کنند و نهایتا تبدیل به موجی مرتفع می‌شوند. چون در مواجهه با سیلاب کسی توقع تفریح ندارد اما در مواجهه با یک مراب که مقداری هم بزک کشد باشد مخاطب برداشت تفریحی دارد. در آوج تفریح، موج بلند رخ می‌دهد. چون دقیقا در زمانی که هیچ توقع ارتقاعی وجود ندارد، موج ارتقاع می‌گیرد و تأسیسات اجتماعی از بین می‌روند.

۱۱ **بلوک طراحی‌شده در جنگ ترکیبی** در جنگ‌های ترکیبی علیه ما ۱۱ بلوک طراحی شده است و هر بلوک بیش از ۱۰۰ طبقه و هر طبقه بیش از صدها واحد را میزبانی می‌کند. برای همین مجموعه بسسیار پیچیده‌ای از بلوک‌ها را در مواجهه با خود شاهد هستیم که در دو قالب رو سطحی و زیرسطحی در حال عملیات هستند. لذا بهره‌گیری از رسانه در یکی از مهم‌ترین فازها سه مجموعه بیش از

یکی از سخت‌ترین وجوه جنگ‌های ترکیبی که بیش از سایر وجوه مطرح می‌شود این است که پیکره اجتماعی مدنظر، خودش تولیدکننده زهر علیه خود باشد.

سایرین درحال فعالیت هستند؛ سروسیم، دسک‌ها و رسانه‌ها. این سه مجموعه خروجی مشترکی را فراهم کرده‌اند که ۱۱ بلوک دارند با سه گام؛ اول؛ آماده‌سازی جامعه برای کنار گذاشتن سپرهای دفاعی. دوم؛ تبدیل تمام افراد، گروه‌ها و جریان‌های جامعه علیه خودش– برای همین فضای جامعه علیه جامعه شکل می‌گیرد– و سوم؛ به ختم گرفتن و سازماندهی تمام سیستم‌ها به فعالیتات متکثر از حوزه اقتصاد، فرهنگ، اقتصاد، امنیت و اجتماع باشد.

این ۱۱ بلوک در جامعه ایرانی درحال انجام هستند. ۱۱ بلوکی که هم در تهاجم ترکیبی و هم در دفاع ترکیبی مدنظر قرار می‌گیرند عبارتند از: هنرمندان، نجیگان، روحانیون، ورزشکاران، زنان، امنیتی‌ها، سیاستپون، اقتصادی‌ها، فعالان قضایی و انتظامی، اپوزیسیون و نهایتا بلوک نسل‌های متقارن. این ۱۱ بلوک هفت نوع سازماندهی عملیاتی را ایجاد می‌کنند؛ تفریحی، کور، سیاه، اپوزیسیون، التقاط، نامتعارف و نامتوازن. از این‌جا به بعد سه گام انجام می‌شود؛ اول؛ تخمین گام‌بندی‌های رساندن جامعه به مرحله انفجار در درون بدون شکستن پوسته. گام دوم؛ طراحی زیرسطحی پوسته ثانویه و از بین بردن پوسته اولیه و مرحله سوم؛ دگردیسی کامل جامعه از وضع موجود به وضع مطلوبی که جامعه، هیچ قاعده یا شاخصه‌ای از وضع موجود برایش هدف می‌شود بدون شاخصه‌های وضع مطلوب. به همین منظور است که فرآیند تبدیل خاکستری‌ها به اپوزیسیون فعال شده دارای آرزو و دارای امید جهت تریق به اپوزیسیون قوت و چرک شده و تاکارآمد اما دارای فرآیند عملیاتی مستمر در س‌های گذشته را به انجام می‌رسانند.

سایرین درحال فعالیت هستند؛ سروسیم، دسک‌ها و رسانه‌ها. این سه مجموعه خروجی مشترکی را فراهم کرده‌اند که ۱۱ بلوک دارند با سه گام؛ اول؛ آماده‌سازی جامعه برای کنار گذاشتن سپرهای دفاعی. دوم؛ تبدیل تمام افراد، گروه‌ها و جریان‌های جامعه علیه خودش– برای همین فضای جامعه علیه جامعه شکل می‌گیرد– و سوم؛ به ختم گرفتن و سازماندهی تمام سیستم‌ها به فعالیتات متکثر از حوزه اقتصاد، فرهنگ، اقتصاد، امنیت و اجتماع باشد.